

تابعیت زن و فرزندان حاصل از ازدواج زن ایرانی با مرد غیرایرانی با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلستان

(مقاله علمی-پژوهشی)

سعید الماسی*

نجدعلی الماسی**

گودرز افتخارچهرمی***

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۳

چکیده

تابعیت زن موضوعی است که در طول ادوار مختلف قانون‌گذاری، دستخوش تحولات بسیاری شده است؛ به طوری که از اعمال سیستم وحدت تابعیت که در آن تابعیت زن همان تابعیت شوهر دانسته می‌شود، به سیستم استقلال تابعیت رسیده است که در این نظام، ازدواج هیچ تأثیری بر تابعیت زنان ندارد و زنان از این اختیار برخوردارند که تابعیت همسر خود را بپذیرند یا کماکان تابعیت اصلی خود را حفظ نمایند. با نگاهی به نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان، می‌توان به این نتیجه دست‌یافت که برخلاف نظام اخیر، ایران همچنان پیرو نظریه وحدت تابعیت است و تنها در مواردی از استقلال نسبی تابعیت پیروی می‌نماید؛ درحالی که در انگلستان به‌عنوان نماینده بزرگی از سیستم حقوقی کامن‌لا، سال‌هاست که نظریه استقلال تام تابعیت زن پذیرفته شده است و در این نظام‌ها ازدواج زنان تبعه با مردان خارجی به طور خودبه‌خود تابعیت هیچ یک از زوجین را تغییر نمی‌دهد. علاوه بر اینکه در زمینه انتقال تابعیت به فرزند نیز، مادران و پدران به طور یکسان می‌توانند به فرزندان منتقل نمایند. مضافاً اینکه قانون ایران امکان انتقال تابعیت ایرانی از طریق مادران ایرانی را به رسمیت نمی‌شناسد و تنها پدران ایرانی را قادر به این کار می‌داند. به نظر می‌رسد که قانون مدنی کفاف مقتضیات جامعه امروز ایران را نداده و نیازمند تجدیدنظرهای جدی در این زمینه است. مشکلات به وجود آمده در طول سال‌های اخیر، مؤید نیاز به این اصلاحات است.

کلیدواژه‌گان:

تابعیت زن، تابعیت فرزندان، تابعیت اکتسابی، حقوق ایران، حقوق انگلستان.

* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران

Saeid.almasikalhor@yahoo.com.au

** استاد، دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران (نویسنده مسئول)
nejadalialmasi@gmail.com

*** استاد، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی

g_eftekhar@sbu.ac.ir

مقدمه

مفهوم تابعیت و اهمیت اساسی آن، از زمانی جلوه‌ای پررنگ و پراهمیت به خود گرفت که در قرن هفدهم میلادی، خط‌کشی‌های مرزی و ملیت‌گرایی اقوام بشری، مفهوم دولت مستقل را به جهان معرفی کرد. از آن پس بود که دولت‌ها در پی آن شدند تا با معرفی اتباع خود، این حس حاکمیت را قوت بخشند.

در این رابطه، تابعیت مردان به‌عنوان شهروندان درجه‌یک و اصلی، به‌عنوان تابعیتی خدشه‌ناپذیر مطرح گردید؛ در صورتی که حق زنان در این زمینه نیز مانند سایر حقوق آنها تا حدودی دچار تزلزل شد؛ چراکه مفهوم ازدواج و حمایت از نظریه وحدت کانون خانواده، قانون‌گذاران را بر آن داشت تا در تابعیت زن نسبت به تابعیت همسر خود نوعی وابستگی و تبعیت به وجود آورند.

در پاسخ به مخالفان این امر نیز دلایل گوناگونی ارائه شد، برخی آن را ناشی از سلطه شوهر نسبت به زن و برخی دیگر نیز آن را نتیجه قهری وصف ازدواج دانستند.

در کنار آنها، عده‌ای نیز بودند که عقیده داشتند از آنجا که تابعیت اساساً مفهومی سیاسی و به‌طور کامل در دستان دولت است، نمی‌توان آن را به حقوق خصوصی مرتبط ساخت و ناشی از سلطه شوهر دانست؛ بلکه مصالح و منافع سیاسی یک دولت است که این راه را تعیین می‌کند. بنابراین، این که زنان تابعیت خود را به نفع تابعیت همسر و خانواده از دست می‌دهند، ناشی از تصمیم طبیعی دولت‌هاست.

با وجود تمام این استدلال‌ات و مباحث، در سده اخیر و پس از آنکه بیان حقوق بشر و مباحث دفاع از تساوی حقوق زن و مرد از تریبون‌های داخلی و بین‌المللی به رسمیت شناخته شد و اسناد و کنوانسیون‌های جهانی در حمایت از آن تنظیم گردید، نوعی تفکر دیگر جایگزین آن دسته از استدلال‌ات کلاسیک شد و زنان به‌عنوان اعضای جامعه بشریت، دارای حق تابعیت مستقل و نیز حق حفظ تابعیت اصلی خود پس از ازدواج شناخته شدند. با وجود این، همان‌طور که می‌دانیم حرکت کشورهای جهان به سوی برابری قوانین برای زن و مرد، همواره به یک اندازه نبوده است.

کشور ایران از این حرکت بین‌المللی تا حدود زیادی عقب مانده است، در صورتی که قوانین کشور انگلستان در طول سده اخیر، بارها و بارها مورد تجدیدنظر قرار گرفته است تا آن را با مقتضیات روز کشورشان و دنیای بین‌الملل تطبیق دهند.

باتوجه به این تحولات، این سؤال در حقوق ایران مطرح می‌شود که اصل وحدت تابعیت زوجین در حقوق ایران باتوجه به تحولات جهانی چه جایگاهی دارد؟ آیا نیاز به تغییر قواعد حقوقی ایران در باب ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی وجود دارد یا خیر؟ در ادامه به بررسی وضعیت حقوقی فرزندان حاصل از این ازدواج باتوجه به تصویب قانون اصلاح تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی مصوب ۱۳۹۸ و تحولی که در قواعد مربوط به اعطا و تحصیل تابعیت فرزندان ایرانی ایجاد شده، آیا اساساً وضع چنین قانونی ضروری بوده است؟ آیا هدف از وضع این قانون پاسخ‌گفتن به اعتراضات مدافعان حقوق زن بوده است که نسبت به نابرابری زنان و مردان در قواعد مربوط به تابعیت در حقوق ایران معترض‌اند؟ آیا واقعاً قانون جدید به چه میزان از نابرابری کاسته است؟ آیا اساساً جعل این قانون تحولی مثبت تلقی می‌گردد؟ آیا مقنن در وضع این قانون مجموعه قواعد موجود درباره تابعیت را مورد عنایت قرار داده و با در نظر گرفتن مصالح مختلف به وضع قانون همت گماشته است یا خیر؟ پرسش‌های قابل توجهی مطرح است که در پاسخ به این سؤالات در تحقیق اخیر ابتدا پس از بررسی نظریات موجود در خصوص تابعیت زن در اثر ازدواج، به جایگاه اصل وحدت تابعیت زوجین و بیان مشکلات اجرای این اصل و بررسی ماده واحد سال ۱۳۹۸ در باب اعطای تابعیت فرزندان از مادر ایرانی در حقوق ایران خواهیم پرداخت و در ادامه به رویکرد نظام حقوقی انگلستان نسبت به اصل وحدت تابعیت زوجین و فرزندان آنها می‌پردازیم و از نتایج این تطبیق در نتیجه‌گیری استفاده خواهیم کرد.

۱. تابعیت زن و فرزندان در حقوق ایران و انگلستان

قوانین ایران تابعیت اصلی از طریق سیستم خون (نسبت پدری) و سیستم خاک را با شرایط کاملاً استثنایی و به صورت جزئی پذیرفته است؛ درحالی که به اصل خون رجحان بیشتری داده است. در صورتی که در حقوق انگلیس که تابع نظام حقوقی کامن‌لا می‌باشد، سیستم خاک و

اقامتگاه را پذیرفته و آن را با اصل خون تعدیل کرده است.^۱ لذا قانون تابعیت در نظام‌های حقوقی ایران و انگلیس از نظر شکلی و ماهوی تفاوت‌ها و شباهت‌هایی وجود دارد که به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

۱.۱. تابعیت زن و فرزندان در حقوق ایران

بر اساس ماده ۹۷۶ قانون مدنی انواع تابعیت‌های اصلی ایرانی، در بندهای ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و همچنین تابعیت اکتسابی بر اساس بندهای ۶ و ۷ تعیین گردیده است. در قانون مدنی زنانی که ایرانی محسوب می‌شوند شناسایی شده‌اند.

۱.۱.۱. زنانی که پدر آنها ایرانی است، اعم از اینکه در ایران یا در خارج متولد شده باشند بند ۲ اعمال‌کننده روش خون در حقوق تابعیت ایران است. طبق این بند، محل تولد طفل، چه در ایران و چه در خارج، تأثیری در تابعیت ندارد. بلکه طفل به واسطه داشتن پدر ایرانی (نسب پدری) خودبه‌خود ایرانی محسوب می‌شود. در خصوص انتقال تابعیت از طریق روش خون (نسب مادری)، در قانون ایران مطلقاً مدنظر قرار نگرفته است و مادر نمی‌تواند تابعیت خود را به فرزندش منتقل کند.^۳

۱.۱.۲. زنانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنها غیرمعلوم باشند دربند ۳ عموماً قانون‌گذار برای جلوگیری از بی‌تابعیت‌شدن کودکانی که به علت معلوم‌نبودن پدر و مادر، تعیین تابعیتشان از طریق نسب ممکن نیست، تولد آنها را در ایران فرض نموده و با اعمال روش خاک به آنها تابعیت ایرانی می‌دهد. در همین راستا، شاید بتوان تولد از پدر و مادر

۱. جمشیدی، گرجی، مطالعه تطبیقی تابعیت مضاعف در نظام‌های حقوقی ایران و انگلیس، ششمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات حقوقی و قضایی، ۱۳۹۹، ص ۱.
 ۲. هاشمی، فاطمه و جلالیان عسگر، مطالعه تطبیقی اعطای تابعیت در نظام‌های حقوقی ایران و انگلیس، اولین همایش ملی علوم انسانی اسلامی، ۱۳۹۴، ص ۸.
 ۳. فدوی، سلیمان، نگاهی جدید به بندهای اول تا پنجم ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران، کانون، ۱۳۸۸، شماره ۹۷، ص ۳۱.

بی‌تابعیت را نیز زیرمجموعه این بند دانست و به کودکان متولد در ایران که پدر و مادرشان بی‌تابعیت‌اند، برای جلوگیری از بی‌تابعیتی، تابعیت ایران را اعطا کرد.^۱

۱.۱.۳. زنانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده، به وجود آمده باشند

در خصوص بندچهارم، برخی معتقدند^۲ که حضور چنین بندی برای اعطای تابعیت ایرانی، به علت سیاست‌های افزایش جمعیت در دوره تصویب قانون مدنی بوده است و اکنون که نه تنها این سیاست اجرا نمی‌شود، بلکه هدف عکس آن در پیش است، دیگر لزومی ندارد که فرزندان خارجیانی را که در ایران متولد می‌شوند، ایرانی بشناسیم و باید این ایراد را نیازمند اصلاح در قانون مدنی بدانیم.

۱.۱.۴. زنانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است به وجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به ۱۸ سال تمام، لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند والا قبول شدن آنها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است

در بند ۵ موقعیتی که فرض شده، این است که طفل، متولد از پدر و مادری خارجی باشد که هیچ‌کدام در ایران متولد نشده‌اند که در این حالت لازم است که فرد پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کند، تا ایرانی شناخته شود.^۳

باوجوداین، برخی از حقوق‌دانان بر این نظرند که این نوع تابعیت از نوع تابعیت‌های اکتسابی است، بدون اینکه آثار تابعیت‌های اکتسابی بر آن بار شود.^۴

اکثر حقوق‌دانان بر این نظر متفق‌القول‌اند^۵ که بندهای ۲، ۳، ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، تابعیت‌های اصلی ایرانی را بیان می‌دارد و بندهای ۶ و ۷ در پی بیان تابعیت‌های اکتسابی‌اند.

۱. ارفع نیا، بهشید، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، جلد ۱، تهران: انتشارات بهتاب، چاپ پنجم، ۱۳۸۲، ص ۷۲؛ شیخ‌الاسلامی، محسن و سوسن جباری، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۵۲.

۲. همان، ص ۷۰.

۳. تدین، عباس و مجید یوسفی، تأثیر ازدواج مرد خارجی و زن ایرانی بر تابعیت فرزندان، مطالعات راهبردی زنان، تابستان ۱۳۸۷، شماره ۴۰، ص ۱۳.

۴. سلجوقی، محمود، *بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی*، تهران: نشر میزان، چاپ هشتم، ۱۳۸۷، ص ۸۳.

۵. نصیری، محمد، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، جلد اول، تهران: انتشارات آگاه، چاپ نهم، ۱۳۸۱، صص ۷۴ - ۶۱؛ آل کجباف، حسین، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، تهران: انتشارات پیام نور، چاپ چهارم، ۱۳۹۲، صص ۸۵ - ۶۴.

۱.۱.۵. هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند

در بند ششم، با قطعیت یافتن ازدواج زن خارجی با مرد ایرانی، تابعیت وی به تابعیت شوهر ایرانی تغییر می‌یابد؛ چه قانون متبوع کشور وی این تغییر را بپذیرد و چه ازدواج او را با مرد بیگانه در تابعیت او مؤثر نداند و او را همچنان تبعه خود به شمار آورد که این حالت اخیر از موارد به‌وجود آمدن تابعیت مضاعف است.

۱.۱.۶. هر زن تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد

در بند هفتم نیز همانند بند قبلی، از موارد تابعیت اکتسابی ایران است.

۱.۲. تابعیت زنان و فرزندان در حقوق انگلستان

حقوق بریتانیا ابتدا به پذیرش کامل سیستم خاک به موضوع تابعیت نگریسته است. لیکن به‌مرور سیستم مختلط (خاک و خون) مورد توجه قرار گرفته است برای نمونه، فرزندان سفیران پادشاهی که در خارج از بریتانیا متولد می‌شدند، نیز تابعیت بریتانیا را تحصیل می‌نمودند و به فرزندان حاصل از والدینی که تابعیت بریتانیا را داشتند و در خارج از قلمرو بریتانیا به دنیا آمدند، تابعیت بریتانیا اعطا شده است.^۱ قوانین تابعیت بریتانیا در سال‌های ۱۷۷۲، ۱۸۴۴، ۱۸۴۵ و ۱۸۷۰ میلادی به‌صورت پراکنده تصویب شده و تغییراتی نموده است. در سال ۱۸۷۰ میلادی موضوع اقامت و همچنین ترک تابعیت مورد توجه قرار گرفت. بر اساس این قانون، زن بریتانیایی بر اثر ازدواج با تبعه بیگانه تابعیت بریتانیایی خود را از دست می‌داد. در سال ۱۹۱۴ قانون «تابعیت بریتانیا و وضعیت اتباع بیگانه» به‌صورت جامع‌تر تصویب شد. بر اساس این قانون، توارث از طریق خط دکور می‌توانست انتقال‌دهنده تابعیت بریتانیایی پدر به فرزند باشد. بعد از جنگ جهانی دوم، کشورهای مشترک‌المنافع به تصویب قوانین خاص تابعیت برای خود اقدام نمودند و از این رو قانون جدید تابعیت بریتانیا در سال ۱۹۴۸ نیز مورد تصویب قرار گرفت و وضعیت جدیدی به نام «شهروندی پادشاهی متحده و مستعمرات»^۲ به وجود آمد. ماده یک قانون مذکور اتباع بریتانیا و اتباع کشورهای مشترک‌المنافع را به‌عنوان «شهروندان ملل مشترک‌المنافع»^۳ محسوب نموده است.

۱. الله وکیل جزئی، ناصر، مطالعه تطبیقی تأثیر ازدواج و تابعیت در حقوق ایران و بریتانیا، سومین همایش ملی مطالعات و تحقیقات علوم انسانی و اسلامی، ۱۳۹۷، ص ۴۲۹.

2. Citizen of the United Kingdom and Colonies (CUK)

3. Common Wellth Citizen.

رشد مهاجرت از مستعمرات و کشورهای جدید مشترک‌المنافع به بریتانیا باعث شد تا قانون تابعیت بریتانیا در سال‌های ۱۹۵۸، ۱۹۶۴، ۱۹۶۵ و ۱۹۷۷ نیز تغییراتی بیابد. هرچند این تغییر سریع قوانین مهاجرت باعث شده است افرادی که قصد مهاجرت به بریتانیا را دارند، سریع اقدام نمایند.^۱

تا اینکه قانون تابعیت بریتانیا در سال ۱۹۸۱^۲ میلادی اتباع بریتانیا را در قالب سه گروه دسته‌بندی کرد:

- شهروند بریتانیا^۳ (BC)
- شهروند بریتانیا در ماوراء بحار^۴ (BOC)
- شهروند سرزمین‌های تابع بریتانیا^۵ (BDTC)

بر اساس ماده ۱ قانون تابعیت سال ۱۹۸۱ میلادی، صرف تولد شخص در بریتانیا برای اعطای تابعیت کفایت نمی‌کند و لازم است علاوه بر آن یکی از والدین طفل تبعه بریتانیا یا مقیم در پادشاهی متحده باشد. قانون تابعیت سال ۱۹۸۱ در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶ بر اساس قانون «مهاجرت، پناهندگی و تابعیت»^۶ و در سال ۲۰۰۹ بر اساس قانون «مرزها، تابعیت و مهاجرت»^۷ تغییراتی جزئی حاصل نموده است. لیکن اساس قانون تابعیت بریتانیا را همان قانون مصوب سال ۱۹۸۱ تشکیل می‌دهد. در قوانین تابعیت بریتانیا از اصطلاح "Citizenship" به معنای شهروندی و اصطلاح "Nationality" به معنی تابعیت استفاده شده است که بعد از تصویب قانون تابعیت سال ۱۹۸۱ بریتانیا بین دو اصطلاح مذکور تفاوتی وجود ندارد و شهروندی را در عناوین داخلی و تابعیت را در عناوین خارجی به کار می‌برند.^۸

1. Stewart, E & Gareth Mulvey "The Impact of Immigration and Citizenship Policy upon Refugees in the UK" *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 2014, p1033.

۲. قانون تابعیت ۱۹۸۱ بریتانیا، که از اول ژانویه ۱۹۸۳ در سراسر بریتانیا لازم‌الاجرا شد.

3. British Citizenship.

4. British Overseas Citizenship.

5. British Dependant Territories Citizenship.

6. Immigration Asylum and Nationality Act 2002 and 2006 .

7. Borders Nationality and Immigration Act 2009.

۸. سروی مقدم، مصطفی، *مروری بر تفاوت تابعیت، شهروندی و دیگر واژگان مشابه در حقوق ایران، بریتانیا، آمریکا و فرانسه*، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۱۳۸۳، شماره ۳۴، ص ۱۰.

در قانون تابعیت ۱۹۸۱ بریتانیا که اساس قانون تابعیت انگلستان محسوب می‌شود، راه‌های متعددی وجود دارد که از طریق آن افراد و از جمله زنان و فرزندان، تبعه انگلیس به شمار می‌آیند. به‌طور کلی سه روش برای داشتن تابعیت انگلیسی وجود دارد:

۱. تابعیت به‌واسطه تولد یا فرزندخواندگی؛

۲. تابعیت نسبی (اصل خون)؛

۳. تحصیل تابعیت.

۱.۲.۱. تولد یا فرزندخواندگی^۱

بر اساس بخش ۱ قانون تابعیت ۱۹۸۳ بریتانیا، افراد ذیل تبعه انگلیس محسوب می‌شوند:

۱. فرزندی که در انگلیس متولد می‌شود، در صورتی که پدر یا مادرش تبعه انگلیس یا مقیم آن باشند.

۲. نوزادی که پس از تولد در قلمرو بریتانیا رها شده و پدر و مادرش معلوم نباشند، این‌گونه فرض می‌شود که در بریتانیا تولد یافته یا از پدر و مادری به دنیا آمده است که در زمان تولد او تبعه یا مقیم انگلیس بوده‌اند.

۳. کودکی که در قلمرو بریتانیا تولد یافته و هیچ‌کدام از امتیازات فوق را نداشته باشد، در صورتی می‌تواند به تابعیت انگلیس درآید که در زمان صغر، پدر یا مادرش تبعه یا مقیم انگلیس شده و یا برای او درخواست اعطای تابعیت انگلیسی شود.

۴. کودکی که در انگلیس تولد یافته و امتیازات فوق را ندارد، پس از ده‌سالگی تمام در صورتی که غیبت او از قلمرو انگلیس بیش از ۹۰ روز نبوده باشد، می‌تواند تابعیت انگلیسی را کسب نماید.

۵. با اعلام حکم دادگاه مبنی بر فرزندخواندگی، فرزندخوانده در صورتی که سرپرستان یا یکی از آنان تبعه انگلیس باشند، از تاریخ حکم تبعه انگلیس شناخته می‌شود.

۱.۲.۲. تابعیت نسبی (اصل خون)^۲

فرزند متولد در خارج از قلمرو بریتانیا در صورتی تبعه انگلیس به شمار می‌آید که:

۱. در زمان تولد، پدر یا مادرش به روشی غیر از اصل خون تبعه انگلیس باشند.

1. Acquisition by Birth or Adoption.

2. Acquisition by Descent.

۲. پدر یا مادرش تبعه انگلیس بوده و خارج از بریتانیا مشغول خدمت و استخدام او در داخل انگلیس صورت گرفته باشد.

۱.۲.۳. تابعیت اکتسابی

فرد می‌تواند از طرق زیر درخواست تابعیت انگلیس را با احراز شرایط مربوطه بنماید:

۱. درخواست برای تابعیت صغار.^۱
 ۲. اتباع سرزمین‌های وابسته بریتانیا.
 ۳. تحصیل تابعیت به واسطه اقامت در قلمرو بریتانیا یا اشتغال رسمی در سرزمین‌های آن.
 ۴. تحصیل تابعیت با استفاده از امتیاز ازدواج برای زنان خارجی که با مردان انگلیسی ازدواج می‌کنند.
 ۵. تقاضای تابعیت افراد عادی.
 ۶. تقاضای تابعیت با استفاده از امتیاز تابعیت پدر و غیره.
- به‌طور کلی می‌توان گفت که هر زنی که دارای یکی از شرایط بندهای ۱ و ۲ باشد، به‌واسطه اصل خاک یا خون می‌تواند او را تبعه انگلیس به شمار آورد؛ در غیر این صورت می‌بایست از یکی از راه‌های ارائه شده دربند ۳، تابعیت اکتسابی را به‌دست آورد.

۲. تأثیر متقابل ازدواج و تابعیت در حقوق ایران و انگلستان

۲.۱. تأثیر ازدواج بر تابعیت زنان و فرزندان در حقوق ایران

۲.۱.۱. تغییر تابعیت زنان ایرانی بر اثر ازدواج با مردان غیرایرانی

در خصوص ازدواج زن ایرانی با مرد غیرایرانی، حقوق ایران سیستم استقلال نسبی تابعیت را پذیرفته است.^۲

در گذر زمان و سپری شدن دوره‌های قانون‌گذاری، قانون ایران در خصوص زنان ایرانی، از سیستم وحدت تابعیت به سیستم استقلال نسبی تابعیت رسید که قدم نسبتاً مؤثری در این مقوله به شمار می‌آید. در واقع قانون‌گذاری ایران دو مرحله متمایز دیده می‌شود: مرحله نخست مربوط به دوران «قانون‌نامه تابعیت ایران» است که در آن سیستم وحدت تابعیت خانواده به طور کامل

1. Acquisition by Registration :Minors.

۲. این در حالی است که در حقوق ایران در رابطه با ازدواج مرد ایرانی با زنان غیرایرانی سیستم وحدت تابعیت را در نظر گرفته است.

مورد پذیرش قرار گرفته بود و در اثر ازدواج، تابعیت زن ایرانی به تابعیت شوهر تغییر می‌یافت و هر زن خارجی که با مرد ایرانی ازدواج می‌نمود، به همین صورت تابعیت ایرانی را کسب می‌کرد. مرحله دوم با تصویب «قانون تابعیت» سال ۱۳۰۸ آغاز می‌گردد که در ماده ۱۲ آن قانون پیش‌بینی گردید: «زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت می‌نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج، تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود...»^۱.

اما متأسفانه این حرکت از سال ۱۳۰۸ به بعد متوقف شد و سیستم استقلال نسبی جایگاه خود را در قانون ایران حفظ نمود؛ به نحوی که این قاعده به همین ترتیب در ماده ۹۸۷ قانون مدنی محفوظ مانده است.

به بیان دیگر، اگر قانون کشور متبوع شوهر خارجی، تابعیت خود را به زن ایرانی تحمیل کند، وی تابعیت ایرانی را از دست خواهد داد و اگر به عکس، ازدواج در آن قانون تأثیری در تابعیت زن نداشته باشد، تابعیت ایرانی زن محفوظ خواهد ماند.^۲

گرچه هنوز هم در حمایت از این روشی که قانون در پیش گرفته است، استدلالاتی بیان می‌گردد، اما به نظر می‌رسد که امروزه نتواند جوابگوی نیازها و مقتضیات زنان ایرانی باشد. این راهکار در قانون ایران، به سادگی تصمیم‌گیری و سرنوشت زنان ایرانی را به قوانین خارجی واگذار کرده است و می‌تواند باعث انتقال تابعیت جمعی از اتباع ایرانی بدون در نظر گرفتن منافع جامعه ایران، به کشورهای دیگر گردد؛ لذا اصلاحاتی در این زمینه لازم می‌باشد.

۲.۱.۲. تأثیر ازدواج زنان ایرانی با مردان غیر ایرانی در تابعیت فرزندان

همان‌طور که در مبحث «زنان و فرزندان تبعه ایران» بیان شد، ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران، به بیان موارد متعدد انتقال تابعیت ایران به افراد می‌پردازد که آمیخته‌ای از روش‌های خاک، خون و تابعیت‌های اکتسابی است. در این خصوص این ماده در بند ۲،^۳ تابعیت ایران از طریق اصل خون را تنها به فرزندان اعطا می‌نماید که در ایران یا در خارج از آن، از «پدر ایرانی» متولد شده‌اند و

۱. سلجوقی، محمود، پیشین، ص ۹۷.

۲. الماسی، نجادعلی، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، تهران: نشر میزان، چاپ ششم، ۱۳۸۷، ص ۲۷۳.

۳. مطابق ماده ۹۷۶ مقرر می‌دارد: «اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می‌شوند... ۲- کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند...».

هیچ اشاره‌ای به انتقال تابعیت از طریق نسب مادری نمی‌نماید. به بیان دیگر، مادران ایرانی نمی‌توانند بنا بر یک اصل کلی و همسان با پدران ایرانی (نسب پدری) تابعیت خود را (نسب مادری) به فرزندان خویش منتقل کنند. بند ۴ ماده مزبور، فرزندان متولد از پدر و مادر غیر معلوم در ایران و حتی فرزندان متولد از پدر و مادر خارجی را که یکی از آنها در ایران متولد شده باشد، ایرانی تلقی می‌کند.^۱

همان‌طور که می‌توان دید، «تولد مادر در ایران» را که منطبق با بند ۴ ماده ۹۷۶ بود، به‌طریق اولی در ایرانی‌بودن کودک سهیم دانستند،^۲ بدون اینکه صرف «ایرانی بودن مادر» دلیل این انتقال تابعیت باشد؛ به‌طوری‌که در این حالت تابعیت ایرانی مادر تنها به‌خاطر «اصل خاک» است که به کودک منتقل می‌شود، نه به دلیل اصل خون و از طریق نسب مادری. همان‌طور که می‌بینیم، انتقال تابعیت ایرانی از طریق نسب مادری که می‌توانست به‌صورت ماده‌ای صریح و جداگانه در قانون مطرح شود و شأن و منزلت زن ایرانی را در این خصوص ارتقا بخشد، باعث گردیده است تا مشکلات چندگانه‌ای هم در منطوق و مفهوم قانون و هم در عمل به آن به وجود آید.

۲.۲. تأثیر ازدواج بر تابعیت زنان و فرزندان در حقوق انگلستان

۲.۲.۱. تأثیر ازدواج بر تابعیت زنان در حقوق انگلستان

قانون انگلستان تا قبل از لازم‌الاجرا شدن قانون ۱۹۸۱، از اصل «وحدت تابعیت زن و شوهر» پیروی می‌شد که در نتیجه آن، در اثر ازدواج زن خارجی با مرد تبعه انگلستان، زن تابعیت انگلستان را به‌دست می‌آورد.^۳ اما پس از اول ژانویه ۱۹۸۳ قانون‌گذار انگلستان با عدول از عقیده پیشین خود و با مبنا قرار دادن فکر نوین تساوی حقوق زن و مرد و مبارزه برای رفع حجر زن به این نتیجه رسید که ازدواج در تابعیت تأثیر ندارد و در نتیجه اگر زن خارجی با مرد انگلیسی ازدواج نماید، تابعیت انگلستانی به زن تحمیل نمی‌شود، بلکه زن بر تابعیت قبلی خود باقی خواهد

۱. همان ماده: «... ۴- کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده به وجود آمده‌اند...».

۲. سلجوقی، محمود، پیشین، ص ۸۱.

۳. قانون تابعیت انگلستان، ۱۹۴۸، بخش دوم، ماده ۱۴.

ماند.^۱ بنابراین قانون‌گذار انگلستان در مورد ازدواج زن خارجی با مرد تبعه انگلستانی سیستم استقلال کامل تابعیت زن و شوهر را مورد پذیرش قرار داده است.^۲

اما در کنار این اصل کلی و به‌منظور ایجاد تسهیلات برای چنین زنی، قانون تابعیت انگلستان ۱۹۸۱ در مبحث تابعیت‌های اکتسابی در خصوص کسب تابعیت انگلستانی به‌واسطه ازدواج مقرر می‌دارد: زنی که با یک تبعه انگلستانی ازدواج می‌کند، از این حق برخوردار است که پس از سه سال اقامت برای کسب تابعیت انگلستان درخواستی را ارائه داده و به تابعیت انگلستان درآید، منوط بر این که شوهر انگلستانی، در زمان ازدواج تابعیت انگلستان را دارا بوده و در فاصله زمان ازدواج تا تاریخ درخواست، از تابعیت انگلستان خارج نشده باشد. همچنین زن مزبور می‌بایست در این مدت سمت همسری مرد را حفظ کند و ازدواج آنها به پایان نرسیده باشد. درحالی‌که در غیر این صورت، پس از پنج سال اقامت در پادشاهی متحده می‌توانست برای کسب تابعیت انگلستان اقدام نماید.^۳ در صورت جمع شرایط فوق، زن مزدوج با مرد انگلستانی، تبعه انگلستان شناخته خواهد شد.

حالت دومی نیز وجود دارد که طبق شرایط خاص، در صورتی که زن مزبور در فاصله پنج سال از ازدواج خود درخواست تابعیت انگلستان را بدهد، وزارت کشور در صورتی که صلاح بداند، زن را به تابعیت انگلستانی خواهد پذیرفت. این شرایط عبارت‌اند از: زن با مردی انگلستانی ازدواج کرده باشد و به‌واسطه آن حق درخواست تابعیت را دارد، اما در تاریخ ارائه درخواست دیگر همسر او نباشد. به بیان دیگر در تاریخ ارائه درخواست، ازدواج آنها پایان یافته باشد و مرد مزبور در تاریخ ازدواج، تابعیت انگلستان را دارا باشد. در این حالت، پذیرش زن به تابعیت انگلستان بر خلاف حالت اول قطعی نخواهد بود و کاملاً به نظر و صلاحدید وزارت کشور بستگی دارد.

در همان قانون تابعیت انگلستان و در همان بخش، حالت سومی نیز در نظر گرفته شده است که طبق آن باز هم زنی که به همسری مردی انگلستانی درآمده است، می‌تواند طی مدت پنج سال از ازدواج خود، درخواست تابعیت انگلستان را بنماید. در این حالت نیز زن به دلیل ازدواج با

۱. توسلی نائینی، منوچهر و رویا پورمراد، اصل وحدت تابعیت زوجین در حقوق ایران، بریتانیا و کنوانسیون‌های بین‌المللی، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال ششم، ۱۳۹۶، شماره ۲۰، ص ۲۱.
 ۲. قانون تابعیت انگلستان، ۱۹۸۱، بخش اول، ماده ۶.
 ۳. قانون تابعیت انگلستان، ۱۹۸۱، بخش اول، ماده ۶.

مرد انگلستانی که همچنان همسر اوست یا اینکه قبلاً همسر او بوده است، حق ارائه چنین درخواستی را پیدا می‌کند و مرد مزبور که در تاریخ ازدواج انگلستانی بوده است، به علت ارائه اظهارنامه ترک تابعیت انگلستانی، این تابعیت را ترک یا نفی کرده باشد. با جمع شدن این دو شرط، زن مزبور می‌تواند در خواست ورود به تابعیت انگلستانی را در ظرف پنج سال از ازدواج خود ارائه نماید و در مقابل، وزارت کشور نیز تنها در صورت صلاحدید، می‌تواند او را به تابعیت انگلستانی بپذیرد.^۱ پس همان‌طور که دیدیم، تابعیت انگلستان به واسطه ازدواج از همان ابتدا و خودبه‌خود منتقل نمی‌گردد، بلکه زن از این حق برخوردار است که یا تابعیت اصلی خود را حفظ کند و یا در صورت تمایل، به‌طور داوطلبانه تابعیت انگلستان را بپذیرد.

حتی قانون‌گذار انگلستان این حق را برای همسران سابق مردان انگلیسی یا همسران مردانی که از تابعیت انگلستان خارج شده‌اند، قائل می‌گردد که بتوانند به تابعیت انگلستان وارد شوند. با وجود این، ورود چنین زنانی به تابعیت انگلستان، در حالتی که زن همچنان همسر مرد باقی‌مانده باشد، قطعی و در صورت شرایط فوق، منوط به نظر وزارت کشور خواهد بود.

در حقوق انگلستان در فرض ازدواج زن انگلستانی با مرد تبعه خارج، سیستم استقلال کامل تابعیت زن و شوهر جاری است و در نتیجه ازدواج تأثیری بر تابعیت زوجین نمی‌گذارد؛ بنابراین در انگلستان چه زن خارجی شوهر انگلستانی اختیار کند و چه زن تبعه انگلستان با مرد تبعه خارج ازدواج نماید، ازدواج تغییری در تابعیت زوجین ایجاد نمی‌کند و هریک از زوجین بر تابعیت پیشین خود باقی می‌مانند.^۲ به عبارتی، قانون‌گذار انگلستان چه در تحصیل تابعیت انگلستان و چه در ترک آن، اصل استقلال تابعیت زوجین را در روابط خانوادگی پذیرفته است و بنابراین اگر مرد یا زن انگلستانی اقدام به ترک یا تحصیل تابعیت انگلستان نماید، در تابعیت همسر او هیچ تغییری ایجاد نمی‌شود مگر اینکه زن و شوهر هر دو تقاضای ترک یا تحصیل تابعیت انگلستان را نموده باشند.^۳

۱. قانون تابعیت بریتانیا ۱۹۸۱، مبحث تابعیت‌های اکتسابی، بخش ۸.

2. R .De Gruyther L “,Mixed Marriages”, *Journal of Comparative Legislation and International Law* ,Vol 11 ,No .1,1929 ,pp 41-34.

۳. قانون تابعیت انگلستان، ۱۹۸۱، بخش اول، ماده ۱۲.

به‌طور کلی، مبحث ازدواج و تأثیر آن در تابعیت زوجین در قانون تابعیت انگلستان، بخش کوتاهی را به خود اختصاص می‌دهد؛ زیرا همان‌طور که در ابتدای بحث اشاره شد، اساساً این نظر برای سال‌ها در قانون انگلستان پذیرفته شده است که زن نیز همچون مرد دارای تابعیت مستقلی است که ازدواج نمی‌تواند آن را متزلزل کند یا تغییر دهد و اصل اساسی در این خصوص «احترام به حقوق زن و خواست او» است. افزون بر این، از ۱۹۵۸ به بعد و رشد مهاجرت از مستعمرات و کشورهای جدید مشترک‌المنافع به انگلستان و تأثیر قوانین ضد مهاجرت نیز تمایل به استقلال تابعیت زنان را تقویت نمود. باین‌حال، در انگلستان برای آسان کردن وحدت خانواده نیز شرایط و تسهیلاتی را در نظر گرفته شده است.^۱ (کمسیون وزراء انجمن اروپا، ۱۹۹۵).^۲

۲.۲.۲. تأثیر ازدواج بر تابعیت فرزندان در حقوق انگلستان

در مورد اعطای تابعیت به فرزندان متولد از اتباع انگلستانی، می‌توان یک اصل کلی را بیان کرد و آن این است که در قانون تابعیت این کشور، هر جا سخن از انتقال تابعیت است، پدر و مادر به‌عنوان یکی از والدین نام برده می‌شوند و به بیان دیگر هر دو نسب پدری و مادری به‌طور یکسان در انتقال تابعیت انگلستانی مؤثر است.

حتی در خصوص فرزندخواندگی یا اصل خاک نیز، همواره از «یکی از والدین» نام برده می‌شود و اساس جنسیت پدر و مادر تفاوتی در این روند ایجاد نخواهد کرد.

در همین راستا، در بخش یک قانون تابعیت ۱۹۸۱ انگلستان، فرزندی را که در انگلستان متولد می‌شود، در صورتی که پدر یا مادرش تبعه یا مقیم این کشور باشد، انگلستانی به شمار می‌آورد. به عبارت دیگر، انتقال تابعیت از طریق نسب مادری نیز به‌نوعی نتیجه پذیرش سیستم استقلال تابعیت است که در انگلستان جاری می‌باشد. بر این اساس، فرزندی که از مادر انگلستانی و پدر خارجی متولد می‌شود، می‌تواند تابعیت انگلستانی را داشته باشد، همان‌طور که درباره پدر انگلستانی این امر اعمال خواهد شد.

۱. پری ناز، رئیسی، «بررسی تطبیقی تابعیت زن در نظام‌های حقوقی ایران، انگلیس و فرانسه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.

2. Committee of Ministers Council of Europe 1995.

۲.۳. نگاه مقایسه‌ای تأثیر ازدواج در تابعیت زن و فرزندان در حقوق ایران و انگلستان

۱. در ایران پدر در تعیین تابعیت فرزند نقش دارد، ولی در انگلستان تفاوتی بین نقش پدر و مادر وجود ندارد و مادر نیز در انتقال تابعیت به فرزند خود مؤثر است.
۲. به موجب بند ۲ ماده ۹۷۶، فرزندان حاصل از پدر ایرانی که در خارج از ایران زندگی می‌کنند، نسل‌اند نسل می‌توانند تابعیت ایرانی داشته باشند؛ ولو اینکه هیچ‌گونه اقامتی در ایران نداشته باشند. ولی در انگلستان این تابعیت فقط برای یک نسل، آن هم با رعایت شرایطی حاصل می‌شود.^۱
۳. بند ۶ ماده ۹۷۶ ق.م. هر زن تبعه خارجه را که شوهر ایرانی اختیار کند، بدون توجه به قانون کشور متبوعش و بدون لحاظ هیچ شرط دیگری تبعه ایران شناخته است^۲ و در صورت فوت یا طلاق، تابعیت ایرانی زن باقی می‌ماند. در مورد ترک تابعیت نیز تنها در صورتی تابعیت زن تغییر می‌یابد که بر اساس ماده ۹۸۸ ق.م. اجازه دولت شامل حال زن هم بوده باشد. در انگلستان از سال ۱۹۸۳ میلادی به بعد اصل وحدت تابعیت زوجین مطرح نیست و ازدواج بر تابعیت اثر ندارد و تابعیت مرد به زن تحمیل نمی‌شود و فقط برای زن امتیاز با اولویت سه سال سکونت در نظر گرفته شده است (در صورت ارائه درخواست و دارا بودن سایر شرایط).
۴. بر اثر ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی به استناد ماده ۹۸۷ ق.م. و باتوجه به قانون متبوع شوهر سه وضعیت به وجود می‌آید: ۱- حفظ تابعیت ایران؛ ۲- تحمیل تابعیت شوهر؛ ۳- اختیار تابعیت شوهر (با موافقت وزارت خارجه). ولی با ازدواج یک زن بریتانیایی با مرد خارجی تابعیت بریتانیایی زن باقی می‌ماند و اگر شوهر او ایرانی باشد، زن تابعیت مضاعف پیدا می‌کند.
۵. به موجب ماده ۹۸۴ ق.م. تابعیت ایرانی مردی که به تابعیت ایران پذیرفته می‌شود در تابعیت همسر او نیز اثر می‌کند (اصل وحدت تابعیت زوجین). ولی در بریتانیا به‌خاطر استقلال کامل تابعیت در روابط زوجین تحصیل تابعیت هر یک از همسران تأثیری در تابعیت دیگری ندارد، مگر اینکه تقاضا مربوط به دو نفر باشد و وزیر هم با هر دو نفر موافقت کرده باشد.
۶. مطابق مفاد ماده ۹۷۶ ق.م. هر کس تابعیت ایران را به‌دست آورد، تبعه ایران محسوب می‌شود و اتباع ایران دسته‌بندی و درجه‌بندی نشده‌اند، ولی اتباع بریتانیا در سه گروه متفاوت دسته‌بندی شده‌اند و هر گروه هم از امتیازات خاصی بهره‌مندند.^۳

۱. الله وکیل جزی، ناصر، پیشین، ص ۴۳۱.

۲. بر اساس اصل وحدت تابعیت زوجین.

۳. همان، ص ۴۳۱.

۳. بررسی ماده واحد قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با اتباع غیر ایرانی مصوب ۱۳۹۸

با تدوین قانون ۱۳۹۸ این سؤال مطرح است که آیا این قانون می‌تواند به‌طور کامل مشکل تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی را برطرف نماید؟

به نظر می‌رسد علی‌رغم وجود پاره‌ای از ابهامات این قانون در مجموع شامل نکات مثبتی است و می‌تواند مشکلات مربوط به تابعیت فرزندان حاصل از زنان ایرانی و مردان خارجی را رفع نماید. به این نحو که مطابق قانون، امکان اخذ تابعیت ایرانی برای فرزندان حاصل از ازدواج شرعی مادران ایرانی با مردان خارجی اعم از آنکه در قلمرو یا خارج از قلمرو کشور ایران متولد شوند، وجود دارد. هر چند که اخذ این تابعیت منوط به احراز وقوع ازدواج شرعی است.^۱

همچنین اخذ تابعیت ایرانی قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال نیز برای این اشخاص مشروط به درخواست مادر ایرانی آنها امکان‌پذیر شده است؛ این قانون، تکلیف مواردی را که مادر ایرانی به هر دلیل اقدام به درخواست تابعیت برای فرزند خود نمی‌نماید، مشخص نکرده است، ولیکن در ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی ماده واحد اشعار داشته است، در صورت فوت یا حجر مادر، توسط دادستان شهرستان محل اقامت فرزند و یا قیم منصوب یا امین موقت درخواست موردنظر را به استانداری ارائه دهد. در آیین‌نامه تکلیف را در صورت فوت یا حجر مادر و فرزند مشخص شده، اما در صورت عدم دسترسی یا عدم اقدام مادر را روشن نکرده است، اما می‌شود با وحدت ملاک از ماده ۴ آیین‌نامه استفاده نمود.

۳.۱. مفاد ماده واحد

ماده واحد مصوب سال ۱۳۹۸، درباره ماهیت تابعیت فرزندان مادران ایرانی و راه‌ها، شرایط و تشریفات کسب تابعیت تحصیلی ایران و نیز آثار شخصی و خانوادگی، به شرح زیر سخن گفته است:

^۱ توسلی نائینی، منوچهر و نوشین فرهانی روحانی، نقدی بر قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی مصوب ۱۳۹۸، فصلنامه پژوهشنامه حقوق فارسی، دوره سوم، ۱۳۹۹، شماره ۶ ص ۲۸.

۳.۱.۱. ماهیت تابعیت

به استناد ماده واحده، تابعیت ایرانی فرزندان مادران ایرانی. اولاً از نوع تابعیت اکتسابی و نه تولدی است، چنانچه واژه‌های «تقاضا»، «می‌تواند» و «پذیرفته شدن» بعد از ۱۸ سالگی در متن تبصره ۲، جملگی حکایت از تابعیت اکتسابی دارند.^۱ ثانیاً برخلاف تابعیت اکتسابی مذکور در ماده ۹۷۹ قانون مدنی که حق مشمولان آن ماده نیست، بلکه صرفاً امتیازی است که دولت می‌تواند به آنان اعطا کند یا از اعطای آن خودداری ورزد، تابعیت اکتسابی حق فرزندان مادران ایرانی است.

۳.۱.۲. راه‌های کسب تابعیت

این ماده واحده، برای برخوردارشدن فرزندان موضوع آن از تابعیت تحصیلی ایران، دو راه در نظر گرفته است:

راه اول، راه غیرمستقیم و عاجل: که پیش از ۱۸ سالگی فرزند و به درخواست مادر، حاصل می‌شود.

راه دوم، راه مستقیم و آجل: که پس از ۱۸ سالگی و به درخواست خود فرزند حاصل می‌گردد.^۲

۳.۱.۳. شرایط و تشریفات کسب تابعیت (نداشتن مشکل امنیتی، شرعی بودن ازدواج و رسیدن به سن ۱۸ سال تمام شمسی)

به استناد عبارت «مشکل امنیتی» تصریح شده در متن ماده‌واحد، تنها شرط موافقت با درخواست برخورداری از تابعیت ایران، نداشتن مشکل امنیتی است که مرجع تشخیص آن هم وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، است.

البته از عبارت آغازین ماده‌واحد، شرط «شرعی بودن ازدواج زن ایرانی با مرد غیرایرانی» نیز به طور ضمنی مستفاد می‌شود، بی‌آنکه مرجع تشخیص این شرط را به‌صراحت بیان کرده باشد.

^۱ مهدی پور، فاطمه، مهین سبحانی و رضا مقصودی پاشاکی، نقد و بررسی شرایط و آثار قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیر ایرانی مصوب ۱۳۹۸، نشریه علمی مطالعات حقوقی معاصر، سال دوازدهم، ۱۴۰۰، شماره ۲۳، ص ۱۲۹.

^۲ دانش پژوه، مصطفی، بازخوانی «انتقادی - اصلاحی» ماده واحده مصوب مهرماه ۱۳۹۸ درباره «تابعیت ایرانی فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیر ایرانی»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ماهنامه علمی پژوهشی، سال بیستم، ۱۳۹۹، شماره ۱۱، ص ۲۱۸.

۳.۱.۴. آثار شخصی و خانوادگی

ماده واحده، درباره آثار شخصی تابعیت ایرانی فرزندان موضوع این ماده، سخنی نگفته است. اما از آنجا که ظاهراً مصداق تابعیت تحصیلی است، پس مشمول آثار مربوط به آن که در ماده ۹۸۲ قانون مدنی بیان شده است (محرومیت از موارد نه‌گانه) می‌باشد.^۱

ماده واحده، جز در یک مورد، درباره آثار خانوادگی این تابعیت نیز ساکت است و با فرض آنکه این تابعیت مصداق تابعیت تحصیلی باشد، آثار خانوادگی تابعیت تحصیلی مثل تابعیت تبعی زن و فرزندان نیز بر آن مترتب می‌شود. اما اثر خانوادگی ویژه‌ای که در این ماده بدان تصریح شده، آن است که: «نیروی انتظامی نیز مکلف است نسبت به صدور پروانه اقامت برای پدر غیرایرانی در صورت نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)، اقدام کنند».

۳.۲. نقدی بر قانون اصلاحی مصوب ۱۳۹۸

ماده‌واحد مصوب سال ۱۳۹۸ مجلس شورای اسلامی، اگرچه از آن نظر که همچون ماده‌واحد مصوب سال ۱۳۸۵، سرنوشت تابعیت ایرانی فرزندان مادران ایرانی را به‌طور جامع و یکجا معین کرده و به اختلاف‌نظرهای رسمی و علمی پایان داده است، مفید و مثبت به نظر می‌رسد و نیز اگرچه با به رسمیت‌شناختن حق، داراشدن تابعیت تحصیلی برای فرزندان مادران ایرانی، در مقایسه با تابعیت تحصیلی موضوع ماده ۹۷۹ قانون مدنی، فرزندان مذکور را در موقعیت مناسب‌تری قرار می‌دهد و افزون بر آن این امتیاز را نیز دارد که با تسهیل راه داراشدن تابعیت ایرانی و رفع مشکلات ماده‌واحد مصوب سال ۱۳۸۵، تا اندازه زیادی مشکل فرزندان موضوع خود را حل کرده است، اما خالی از نقص و ایراد هم نیست که از یک سو، برخی از آنها به منطق حاکم بر وضع ماده‌واحد و برخی به منطوق و مفاد ماده‌واحد مربوط می‌شود که همچون ماده‌واحد مصوب سال ۱۳۸۵ فرزندان مادران ایرانی را بیگانه پنداشته و در نتیجه، افزون بر انتقادهای اختصاصی، برخی از انتقادهایی که بر ماده‌واحد مصوب سال ۱۳۸۵ وارد بود، نیز بر این ماده‌واحد نیز وارد است. اما به علت حجم زیاد مطالب فقط به ذکر مهم‌ترین انتقادهای اشاره می‌شود.

۱. همان.

۳.۲.۱. انتقادات و ابهامات اختصاصی در قانون جدید (مصوب ۱۳۹۸)

۱. ابهام در وضعیت ماده واحد تعیین تکلیف سال ۱۳۸۵ (نسخ یا عدم نسخ)؛
۲. وابستگی تابعیت به درخواست مادر؛
۳. عدم پیش‌بینی راه خروج از تابعیت تحمیلی ناخواسته توسط فرزند؛
۴. ابهام شرط «شرعی بودن» ازدواج و نادرستی شرط دانستن آن؛
۵. نابه‌جا بودن شرط عدم مشکل امنیتی در ماده واحد مصوب سال ۱۳۹۸؛
۶. ابهام در نحوه اثبات وقوع نکاح شرعی؛
۷. بی‌ارتباطی تبصره ۲ با موضوع ماده واحد.

۳.۲.۲. ابداعات قانون جدید (مصوب ۱۳۹۸)

- قانون جدید نسبت به قانون سال ۱۳۸۵ دارای ابداعات متعددی است که برخی مشکلات قانون قبلی را رفع کرده است.
۱. امکان صدور پروانه اقامت برای مردان غیرایرانی دارای فرزند از زنان ایرانی؛
 ۲. امکان اخذ تابعیت ایرانی برای اشخاص فاقد تابعیت که خود و یکی از والدینشان در ایران متولد شده‌اند؛
 ۳. شمول زمانی قانون جدید (اثر نسبت به آینده و عطف به ماسبق شدن)؛
 ۴. گسترش موضوعی ماده ۹۷۶ و عدم ضرورت ولادت طفل حاصل از مادر ایرانی در ایران؛
 ۵. عدم محدودیت زمانی برای تقاضای تابعیت ایرانی؛
 ۶. تأیید ضمنی صحت ازدواج‌های شرعی بدون رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی؛
 ۷. حذف شرط تولد در ایران؛
 ۸. حذف شرط عدم سوءپیشینه کیفری و شرط رد تابعیت؛
 ۹. تعمیم مقرر به فرزندان متولد از مردان غیرایرانی.
- در توضیح بند نهم در قانون جدید، ترکیب «مردان غیرایرانی» جایگزین «مردان خارجی» شده است. مرد غیرایرانی هر مردی است که تابعیت ایران را نداشته باشد و شامل مردانی که

تابعیت خارجی دارند و نیز مردان بی‌تابعیت می‌شود؛ بنابراین، اعم از مرد خارجی است.^۱ این تغییر قلمرو اعمال ماده‌واحد را گسترش می‌دهد و می‌تواند فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردانی را که تابعیت خارجی آنها مسجل نیست، هم دربرگیرد. این تغییر می‌تواند در کاهش موارد بی‌تابعیتی مؤثر باشد و از این حیث مثبت ارزیابی می‌شود؛ هرچند برای ارزیابی کامل آن باید ملاحظات امنیتی و اقتصادی و سیاست‌های جمعیتی نیز مدنظر قرار گیرد.

^۱ امینی، مهدی و زهرا امینی، **تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی**، حقوق خصوصی، دوره شانزدهم، ۱۳۹۸، شماره ۲، ص ۴۴۸.

نتیجه‌گیری

هدف از تدوین این پژوهش، تلاشی برای نگاهی عمیق‌تر و دقیق‌تر به مواد قانون مدنی ایران و سایر قوانین مربوطه در خصوص تابعیت زن و فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی و مطالعه تطبیقی آن با نظام حقوقی انگلستان بود.

واقعیت آن است که بنابر عقیده علما، حقوق زائیده مقتضیات زمان خویش است و تنها قانونی می‌تواند کارکردی و کارساز باشد که محصول زمان خود باشد. از طرف دیگر، دستیابی به قانونی مؤثرتر و کاراتر، بدون مطالعه و بررسی تجربه دیگران میسر نخواهد شد. به‌عنوان نمونه، قانون تابعیت انگلستان از زمان ایجاد آن، بارها و بارها مورد اصلاح و تجدیدنظر قرار گرفته است تا بتواند پایه‌های مقتضیات زندگی شهروندان انگلیسی اعم از زن و مرد و نیز مقتضیات بین‌المللی به‌پیش رود. پیشرفت‌هایی که امروزه در قوانین کشور انگلستان شاهد هستیم، حاصل همین تجربیات و تجدیدنظرهاست؛ آنچه که قانون امروز ایران در برخی از زمینه‌ها به آن نیازمند است.

بحث تابعیت زن و ازدواج با خارجی‌ان، به مسئله‌ای در دسرساز در جامعه امروز ایران تبدیل شده است که به متزلزل شدن زندگی هزاران کودک، حاصل از این ازدواج انجامید که از تحصیل تابعیت و هویت مستقل در ایران محروم ماندند.

بسیاری از قواعد مندرج در قانون مدنی ایران، متناسب با وضعیت و شرایط فردی و اجتماعی آن روز ایران به شمار می‌آمدند و قانون‌گذار مناسب‌ترین راه‌حل را برای معضلات آن روز در نظر گرفته باشد، اما باگذشت حدود ۹ دهه از وضع این قانون، بسیاری از حقوق‌دانان و آگاهان بر این نظر متفق‌اند که اصلاح در این قواعد، از ضروریات ایران امروز است.

درحالی‌که انگلستان، سال‌هاست که با رعایت احترام به حقوق بشر و احترام به حقوق اتباع خود و بالابردن شأن و جایگاه زنان تبعه، مانع از بروز این معضلات شده‌اند.

این نظام که سیستم استقلال تام تابعیت را مورد پذیرش قرار داده‌اند، در کنار مستقل شناختن هویت اتباع خود، به بیان راه‌حل‌هایی پرداخته‌اند که این اتباع بتوانند به‌طور اختیاری همسران خود را نیز به تابعیت خود دعوت نمایند. این امر باعث می‌شود تا علاوه بر احترام به آزادی و استقلال زن در عرصه تصمیم‌گیری، راهکارهایی نیز برای آنان که وحدت تابعیت اعضای خانواده را ضروری می‌دانند، تأمین گردد و برای این منظور، تنها زنان نیستند که به‌خاطر خانواده و همسر از تابعیت اصلی و موطن خود صرف‌نظر می‌کنند، بلکه در صورت تمایل و توافق،

مردان می‌توانند این تغییر تابعیت را انجام دهند و اصل احترام به وحدت کانون خانواده را عملی سازند.

قانون ایران، یک نظام دوگانه درخصوص تابعیت زن پذیرفته و آن، سیستم استقلال نسبی تابعیت است. اولاً تمام زنان خارجی که با مردان ایرانی ازدواج می‌کنند، بدون قیدوشرط ایرانی شناخته می‌شوند؛ ثانیاً زنان ایرانی که با مردان خارجی ازدواج می‌نمایند، ایرانی باقی می‌مانند، مگر اینکه قانون دولت متبوع شوهر، تابعیت خود را بر آنها تحمیل کند. در این حالت اخیر، زنان ایرانی به‌واسطه ازدواج تابعیت خود را ازدست می‌دهند و خارجی شناخته می‌شوند.

بنابراین می‌توان اصلاح قانون تابعیت را که از ضروریات جامعه امروز ایران است، درخصوص

«تابعیت زن» در چند مورد پیشنهاد نمود:

اول، اصل آزادی زن در انتخاب تابعیت می‌بایست به رسمیت شناخته شود؛ زنانی که به همسری مردان خارجی درمی‌آیند، باید که حق حفظ تابعیت اصلی را داشته باشند و در صورت تمایل، بتوانند این تابعیت را به نفع تابعیت همسر خود واگذار کنند. پذیرش سیستم استقلال تام تابعیت، راه‌حل منطقی این عقیده است.

دوم، به‌دست‌آوردن تابعیت ایرانی و یا ترک آن توسط مرد، به‌خودی‌خود بر تابعیت زن تأثیری نگذارد. سوم، در انتقال تابعیت به فرزندان، زن ایرانی نیز بتواند تابعیت خود را به فرزندش منتقل کند و فرزند متولد از مادر ایرانی نیز ایرانی شناخته شود.

به نظر می‌رسد انجام چنین اصلاح و تجدیدنظری در قانون، چندان سخت و نیازمند اظهارنظرهای متعدد نیست و آسان‌تر صورت می‌پذیرد؛ به‌طوری که هم منزلت و منفعت زنان ایرانی به‌عنوان بخشی از اتباع سرزمین ایران تأمین شود و هم در عرصه بین‌المللی، جنبه محکم‌تری از اقتدار ایرانی به نمایش گذاشته شود.

قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی مصوب ۱۳۹۸ بسیاری از مشکلات موجود در قانون تعیین تکلیف مصوب ۱۳۸۵ را حل نمود. از جمله مهم‌ترین مشکلات قانون ۱۳۸۵ بی‌تابعیتی فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی تا رسیدن به سن ۱۸ سال بود که پیامدهای ناگواری را برای کشور به همراه داشت. این مشکل در قانون جدید حل شد و این فرزندان قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام نیز در

صورت درخواست مادر ایرانی، امکان اخذ تابعیت را خواهند داشت. باوجوداین، ابهاماتی در قانون جدید به چشم می‌خورد.

در ادامه، قانون‌گذار درخواست تابعیت برای اشخاص زیر ۱۸ سال را صراحتاً مقید به درخواست مادر ایرانی نموده است که این تصریح این تالی فاسد را به همراه دارد که در صورت در دسترس نبودن مادر ایرانی به علت در قید حیات نبودن یا فرزند زیر ۱۸ سال قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال، امکان اخذ تابعیت ایرانی را نخواهد داشت. هرچند در ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی ماده‌واحد، اشعار داشته است: در صورت فوت یا حجر مادر، توسط دادستان شهرستان محل اقامت فرزند یا قیم منصوب یا امین موقت درخواست موردنظر را به استانداری ارائه دهد. در قانون مصوب ۱۳۹۸ تولدی یا اکتسابی بودن تابعیت موضوع قانون مشخص نشده است، هرچند که باتوجه به مفاد این قانون و وجود شرایط برای اخذ تابعیت، اکتسابی و ثانویه بودن این تابعیت اصح به نظر می‌رسد.

علی‌ای‌حال، قانون جدید گام‌های مثبتی به منظور رفع مشکل بی‌تابعیتی فرزندان حاصل از نکاح زنان ایرانی با مردان غیرایرانی و همسو با تعهدات بین‌المللی برداشته است. مطابق با قانون مصوب ۱۳۹۸ نکاح‌های شرعی (بدون رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی) صورت‌گرفته میان زنان ایرانی و مردان خارجی ضمناً صحیح شمرده شده و فرضیه عدم نفوذ یا بطلان آنها منتفی شده است. مطابق با صراحت این قانون، به فرزندان مادران ایرانی، اعم از اینکه در قلمرو ایران با خارج از قلمرو ایران متولد شوند، تابعیت ایرانی اعطا خواهد شد. همچنین امکان صدور پروانه اقامت برای پدران غیرایرانی این فرزندان، در صورت نداشتن مشکل امنیتی، به وجود آمده است. به‌علاوه امکان اخذ تابعیت ایرانی برای اشخاص فاقد تابعیت که خود و یکی از والدینشان در ایران متولد شده‌اند، بعد از رسیدن به سن ۱۸ سال و در صورت نداشتن سوءپیشینه کیفری و مشکل امنیتی، فراهم شده است. برخلاف قانون مصوب ۱۳۸۵ که صرفاً ناظر به فرزندان بود که تا سال ۱۳۸۶ به دنیا آمده بودند، قانون مصوب ۱۳۹۸ قانون کلی بوده و اثر آن نسبت به گذشته و آینده است. همچنین برخلاف قانون مصوب ۱۳۸۵ و وجود محدودیت زمانی یک‌ساله پس از رسیدن به سن ۱۸ سال برای درخواست اخذ تابعیت، چنین محدودیتی در قانون مصوب ۱۳۹۸ وجود نداشته و تقاضای اخذ تابعیت محدود به زمان خاصی نگشته است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. ارفع نیا، بهشید، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، جلد ۱، تهران: انتشارات بهتاب، چاپ پنجم، ۱۳۸۲.
۲. آل کجیاف، حسین، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، تهران: انتشارات پیام‌نور، چاپ چهارم، ۱۳۹۲.
۳. الماسی، نجادعلی، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، تهران، نشر میزان، چاپ ششم، ۱۳۸۷.
۴. سلجوقی، محمود، *بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی*، تهران: نشر میزان، چاپ هشتم، ۱۳۸۷.
۵. شیخ‌الاسلامی، محسن و سوسن جباری، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، تهران: گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۶. نصیری، محمد، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، جلد ۱، تهران: انتشارات آگاه، چاپ نهم، ۱۳۸۱.

مقاله

۷. امینی، مهدی و زهرا امینی، *تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی*، فصلنامه حقوق خصوصی، دوره شانزدهم، ۱۳۹۸، شماره ۲.
۸. تدین، عباس و مجید یوسفی، *تأثیر ازدواج مرد خارجی و زن ایرانی بر تابعیت فرزندان*، مطالعات راهبردی زنان، ۱۳۸۷، شماره ۴۰.
۹. توسلی نائینی، منوچهر و رؤیا پورمراد، *اصل وحدت تابعیت زوجین در حقوق ایران، بریتانیا و کنوانسیون‌های بین‌المللی*، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال ششم، ۱۳۹۶، شماره ۲۰.

۱۰. توسلی نائینی، منوچهر و نوشین فرهانی روحانی، **نقدی بر قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی مصوب ۱۳۹۸**، فصلنامه پژوهش‌نامه حقوق فارس، دوره سوم، ۱۳۹۹، شماره ۶.
۱۱. جمشیدی، گرجی، **مطالعه تطبیقی تابعیت مضاعف در نظام‌های حقوقی ایران و انگلیس**، ششمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات حقوقی و قضایی، ۱۳۹۹.
۱۲. دانش‌پژوه، مصطفی، **بازخوانی «انتقادی - اصلاحی» ماده‌واحد مصوب مهرماه ۱۳۹۸ درباره «تابعیت ایرانی فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی»**، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ماهنامه علمی پژوهشی، سال بیستم، ۱۳۹۹، شماره ۱۱.
۱۳. سروی مقدم، مصطفی، **مروری بر تفاوت تابعیت، شهروندی و دیگر واژگان مشابه در حقوق ایران، بریتانیا، آمریکا و فرانسه**، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۱۳۸۳، شماره ۳۴.
۱۴. فدوی، سلیمان، **نگاهی جدید به بندهای اول تا پنجم ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران**، کانون، ۱۳۸۸، شماره ۹۷.
۱۵. **کنوانسیون اروپایی تابعیت**، ۱۹۹۷، به نقل از مجله حقوقی، ۱۳۷۷، شماره ۲۲.
۱۶. الله وکیل جزی، ناصر، **مطالعه تطبیقی تأثیر ازدواج و تابعیت در حقوق ایران و بریتانیا**، سومین همایش ملی مطالعات و تحقیقات علوم انسانی و اسلامی، ۱۳۹۷.
۱۷. مهدی‌پور، فاطمه، مهین سبحانی و رضا مقصدی پاشاکی، **نقد و بررسی شرایط و آثار قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی مصوب ۱۳۹۸**، نشریه علمی مطالعات حقوقی معاصر، سال دوازدهم، ۱۴۰۰، شماره ۲۳.
۱۸. هاشمی، فاطمه و عسگر جلالیان، **مطالعه تطبیقی اعطای تابعیت در نظام‌های حقوقی ایران و انگلیس**، اولین همایش ملی علوم انسانی اسلامی، ۱۳۹۴.

پایان نامه

۱۹. پری ناز، رئیسی، «بررسی تطبیقی تابعیت زن در نظام‌های حقوقی ایران، انگلیس و فرانسه»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.

ب) منابع انگلیسی

Articles

- 20.R. De Gruyther L, "Mixed Marriages", *Journal of Comparative Legislation and International Law*, Vol. 11, No. 1,1929.
- 21.Stewart, E & Gareth Mulvey "The Impact of Immigration and Citizenship Policy upon Refugees in the UK" *Journal of Ethnic and Migration Studies*,1033: 2014.

Case/ Document/ Report

- 22.Borders Nationality and Immigration Act 2009.
- 23.British Nationality Act 1981.
- 24.Committee of Ministers Council of Europe 1995.
- 25.European Convention On Nationality, 1997.
- 26.Immigration Asylum and Nationality Act 2002.
- 27.Immigration Asylum and Nationality Act 2006.